

رویکردهای اسلامی در ایران به حقوق بین‌المللی بشر^۱

تردید نیست که میان بسیاری از احکام و تکالیف اسلامی و آنچه امروزه در نظام بین‌الملل حقوق بشر به عنوان حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر به رسمیت شناخته شده است، تعارضات و تفاوت‌های آشکاری وجود دارد.^۲ لیکن نحوه مواجهه و برخورد با این تعارضات از سوی عالمان اسلامی عملاً به بروز دیدگاه‌های مختلفی انجامیده است.

در این نوشتار تلاش می‌شود تا رویکرد های فقهی و کلامی عمده ای که در کشور ما در مواجهه با حقوق بین‌المللی بشر^۳ و نظام حاکم بر آن مطرح گردیده است به اختصار مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

در این رابطه سه رویکرد عمده وجود دارد:

الف) رویکرد معتقدین به عدم اجتهاد

این رویکرد هرچند امروزه چندان مرسوم نیست اما همچنان طرفداران و معتقدانی را دارا می‌باشد و از این رو ذکر آن خالی از فایده نخواهد بود.

اخباریان و محدثین شیعه و سنی و یا به تعبیر دیگر قائلین به اصالت نقل (در مقابل قائلین به اصالت عقل یا اصحاب رای) در میان عالمان اسلامی را می‌توان در این گروه جای داد. به اعتقاد این گروه منبع استنباط فقه منحصرأ کتاب و سنت است و نه آن چیزی که مجتهدان بیان می‌کنند.^۴ از جمله بزرگان و پیشوایان این گروه در میان عالمان شیعه در چند سده ی اخیر، ملا محمد امین استرآبادی (۱۰۳۶ هجری) است. وی در کتاب الفوائد المدنیه که به منظور رد مجتهدان نگاشته است، اظهار می‌دارد: «به عقیده قدمای اخباریین ما، هر چیزی که امت اسلامی تا روز قیامت به آن محتاج است، از ارش خدش گرفته تا چیز های دیگر، در کلمات ائمه اطهار موجود است. مسائل مربوط به کتاب و سنت از قبیل نسخ و تقیید و تخصیص و تاویل نیز در سخنان ائمه آمده

^۱ این مقاله پیش از این در خبرنامه کانون وکلای دادگستری اصفهان، شماره ۲۳، خرداد ۱۳۸۷، منتشر گردیده است.

^۲ برای مشاهده برخی نمونه‌ها از جمله رک به: حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص ۳۰۷ الی ۳۳۱. همچنین رک به: سید محمد هاشمی،

حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ص ۳۲۹ الی ۳۳۵. و محمد علی موحد، در هوای حق و عدالت، صص ۲۱۹ و ۲۲۰.

^۳ حقوق بین‌المللی بشر: مجموعه حق‌هایی که در سطح بین‌المللی برای انسان به رسمیت شناخته شده است.

^۴ ابوالقاسم گرگی، تاریخ فقه و فقهها، صص ۲۳۷ و ۲۳۸.

و باید با مراجعه به سخنان ائمه این مسائل را حل کرد. برای اینکه ما بتوانیم مسائل شرعی را حل کنیم اعم از اینکه این مسائل فرعی باشد یا اصلی، راهی جز مراجعه به کلمات ائمه اطهار وجود ندارد.^۵

بنا بر نظر این گروه برای فهم حقایق دین، جمود به ظواهر روایات کافی است و هر گونه استدلال عقلی و حتی شهود باطنی، مردود است و تمسک به ظواهر کلمات معصومین یگانه راه نجات بوده و هرگونه طریق دیگری جز این طریق باطل و مردود است^۶ و به بدعت در دین و تخریب دین خواهد انجامید. به عقیده معتقدین به این رویکرد، وظیفه مکلفین مسلمان در زندگی اجتماعی و سیاسی امروزه خود صرفاً تقلید محض از منقولات و روایات معصومین می باشد و مبنای انحصاری حکم شرعی نیز همان روایات و احادیث می باشد و در مواردی که علم به حکم شرعی نباشد، تکلیف شرعی، توقف است.^۷ در نتیجه بنا به این مراتب، فقه مورد نظر آنان که یک فقه غیر اجتهادی است توان اینکه بخواهد یا بتواند در خصوص تطبیق و سازگاری نظام بین‌المللی حقوق بشر با مبانی اسلام و یا ارائه نظریه ای اسلامی از حقوق بشر و... تلاشی بنماید را نداشته و ندارد و چون در کتاب و سنت از نظام حق‌های بشری سخنی به میان نیامده، تکلیف شرعی در خصوص آن توقف است، در غیر این صورت موجبات تخریب دین و بدعت در دین فراهم شده است.

ب) رویکرد معتقدین به اجتهاد در فروع

این رویکرد که امروزه دیدگاه غالب در میان اهل تشیع است، قائل به درستی انجام اجتهاد در فروع دین است. بر اساس این دیدگاه اسلام واجد و متضمن حقوقی برای بشر است. در این رابطه پیروان این نظر پس از تعریف از متافیزیک انسان و بررسی ابعاد مادی و معنوی او و توجه به اینکه انسان دارای مبداء فاعلی و غایی است و ذکر این نکته که برای تعیین حقوق واقعی بشر باید به این امور توجه نمود و هیچ کس نیز بهتر از خداوند به این امور آگاه و بدین کار توانا نیست، نهایتاً حق تعیین و وضع این حقوق را از آن خداوند و در صلاحیت او می دانند. مطابق

۵. غلامحسین ابراهیمی دینانی، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام (جلد اول)، صص ۱۱۸ و ۱۱۹.

۶. همان، صص ۱۱۸ الی ۱۲۴. همچنین جهت بحث مبسوط در این زمینه رک به: ابوالقاسم گرجی، پیشین، صص ۲۴۳ الی ۲۵۹.

۷. همان، صص ۲۴۷.

این رویکرد تنها حق محض می‌تواند حق را تعیین و اعطا کند و خداوند حق محض است و حق تعیین حقوق بشر نیز تنها از آن اوست و جز خداوند هیچ کس حق قانونگذاری ندارد و پیامبران و امامان کاری نمی‌کنند جز ابلاغ احکام الهی و دعوت مردم به سوی خدا، چرا که قوانین غیر الهی نارسا، ناتوان و ناموفقند.^۸ و از آنجایی که انسان دارای ارتباط تنگاتنگی با هستی بخش خود است، برای طی تکامل خود نیازمند ارتباط با پروردگار است و نمی‌تواند به خودی خود در این مسیر پیش رود. نتیجه آنکه، تعیین حقوق بشر - که گامی از همین گامهای تکاملی است - باید از سوی همان مبدا هستی بخش صورت پذیرد و چون مقدمه تعیین حقوق بشر این است که انسان و نیازمندی‌های او شناخته شود و این مستلزم داشتن اطلاعات کامل در مورد ابعاد گوناگون حیات انسان است و تنها خداوند به همه این ابعاد آگاه است... از این رو تنها خداوند است که می‌تواند به تعیین حقوق بشر بپردازد.^۹ البته مطابق این دیدگاه خداوند حقوق ذاتی انسان‌ها را متناسب با ذات، فطرت و طبیعت انسان در کتاب و سنت برای همیشه بیان کرده و فقیهان این حقوق را استنباط و به آن فتوا می‌دهند و مومنان به موجب مسؤولیت دینی آنرا می‌پذیرند.^{۱۰}

تفاوت این رویکرد با رویکرد نخست در بحث اعتبار اجتهاد و نحوه استنباط از احکام است. در نظر اول اجتهاد امری باطل و مردود شناخته شده است و لذا فقیه نمی‌تواند با اجتهاد خود قواعد و یا چارچوبه‌ای را در زمینه حقوق بشر از متن دین بیرون بکشد و در نتیجه زندگی بر همان شیوه و روال سابق بدون اهمیت دادن به مفاهیم حقوق بشر باید تداوم یابد و چون حقوق بشر در زمان پیامبر و خلفای راشدین (و در نظر شیعه معصومین) مطرح نبوده و روایاتی در مورد آن وجود ندارد، امروزه نیز امری غیر ضروری است و هرگونه تلاشی در این زمینه نوعی بدعت تلقی خواهد شد. اما مطابق رویکرد دوم اجتهاد نه تنها باطل و مردود نیست بلکه با انجام آن می‌توان نظام حقوق بشر اسلامی را معین کرده و آنرا مبنای زندگی اجتماعی و سیاسی در جهان امروز ساخت. به عبارت دیگر «گرچه به استثنای معصومان همه انسان‌ها ممکن است دچار لغزش و اشتباه شوند، لیکن این بدان معنا نیست که جز معصومان هیچ کس دیگر نتواند به حقیقت دست

^۸. عبدالله جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، صص ۸۹ الی ۱۲۵.

^۹. همان، صص ۱۰۶ و ۱۰۷.

^{۱۰}. همان صص ۳۹ الی ۴۴. همچنین رک به: همو، زن در آیین جلال و جمال، ص ۳۳۱ به بعد.

یابد و منبع حقوق را کشف کند. همین که پیامبران انسان‌ها را به کشف حقایق فرا خوانده‌اند، نشان‌دهنده‌ی این است که طی این راه، با همه سختی‌هایش، فی‌الجمله ممکن است» و «ارائه اصول در همه زمینه‌ها توسط کتاب و سنت صورت پذیرفته است و از سوی دیگر، به مجتهدان دستور داده شده که شاخه‌ها و فروع را به تناسب نیاز هر زمان، از آن اصول استنباط کنند.»^{۱۱}

علی‌ایحال آنچه از این نظر دوم نیز می‌توان دریافت کرد این نکته است که حقوق بشری مورد تایید است که با بکارگیری اجتهاد از متن کتاب و سنت دریافت و ارائه شده باشد. در نتیجه حقوق بین‌المللی بشر فی‌نفسه جایی برای حضور در عرصه اجتماع و سیاست یک جامعه مسلمان نخواهد داشت. این دیدگاه امروزه تقریباً دیدگاه غالب و مرسوم در میان فقهای شیعه است. همین تفکر که به ایده حقوق بشر اسلامی منتهی گردیده است در سال ۱۹۹۰، منجر به تصویب اعلامیه حقوق بشر اسلامی (اعلامیه قاهره) گردید.

البته لازم به ذکر است که برخی دیگر از معتقدین به رویکرد اجتهاد در فروع با اندکی تعدیل در نظر فوق‌الظهار می‌دارند: «حقوق فطری انسان‌ها و آنچه امروزه به نام حقوق بشر پذیرفته شده مثل حق حیات، حق امنیت، حق آزادی، حق مقاومت در مقابل ظلم، در چارچوب فقهی - کلامی سنتی قابل اثبات است. بعضی از این حقوق به صراحت در فقه و کلام سنتی ذکر شده و بعضی از آنها نیز قابل استنتاج است» (و با اتکا به مبانی فقهی کلامی می‌توان اکثر حقوق بشر را اثبات و استخراج کرد. به عبارت دقیقتر، به جز آزادی‌های مذهبی و آزادی‌های جنسی، سایر آزادی‌ها و حقوق را می‌توان با استناد به منابع فقهی کلامی اثبات کرد).^{۱۲} تفاوت این دیدگاه با دیدگاه مرسوم در این است که در دیدگاه مرسوم و غالب، فقیه، حقوق بشر را بدون اینکه از قبل تعریف شده و حدود و دامنه آن مشخص گردیده باشد با مراجعه به منابع فقهی و با تمسک به اصول و ادله استنباط احکام، کشف و معرفی می‌نماید.^{۱۳} در حالی که مطابق دیدگاه غیر مرسوم، حق‌های بشری از قبل در اسناد بین‌المللی تعریف شده و حد مرزهای آن از پیش مشخص گردیده است و فقیه مسلمان با مراجعه به منابع فقهی و با تمسک به ادله استنباط، مبانی این حقوق را از دین بیرون می‌کشد و مثلاً برای حق آزادی اندیشه و بیان پایه‌ای دینی و روایی می‌یابد. به تعبیر

^{۱۱}. همو، فلسفه حقوق بشر، صص ۱۲۹ و ۱۱۹.

^{۱۲}. محسن کدیور، به نقل از: مجتهد شبستری، نقدی بر قرائت رسمی از دین، صص ۴۷۶ الی ۴۷۸.

^{۱۳}. برای نمونه بنگرید به: عبدالله جوادی آملی، زن در آیینه جلال و جمال، ص ۳۳۱ به بعد.

دیگر در این دیدگاه فقیه یا حقوقدان اسلامی به تفصیل و بیان دلایل فقهی موید این حقوق و آزادی‌ها می‌پردازد.

ج) رویکرد معتقدین به اجتهاد در اصول

معتقدین به این رویکرد بر این باورند که فقیه و عالم اسلامی پیش از اجتهاد و اظهار نظر در خصوص سازگاری یا عدم سازگاری حق‌های بشری با مبانی اسلامی، ابتدا لازم است در پیش فهم‌ها و پیش فرض‌های خویش دست به اجتهاد بزند و پس از تطبیق و سازگار نمودن آنها با عقلانیت معاصر، آنگاه به سراغ حقوق بین‌المللی بشر برود و آنرا از منظر دین بنگرد و در مورد آن اظهار نظر کند.

بر اساس این دیدگاه « احکام فقهی مشروب شونده از کلام دینی و قبض و بسط یابنده از حاجات معیشتی و مصالح دنیوی و معارف بشری اند. و... اگر حق کلام و دیگر معارف بشری که مقدم بر فقه یا همنشین آن اند گزارده شود و اگر گشایشی ذهنی و عینی لازم برای نهادن چنان حقی فراهم آید (یعنی اجتهاد در اصول و آزادی در تحقیق) فقه نیز در جایگاه خود خواهد نشست و سهم مطلوب خود را نسبت به مهار قدرت و تامین شیوه‌های کامیاب و کم‌خطای حکومت، کریمانه ادا خواهد کرد.»^{۱۴} و چون «هر گونه افتاء دینی، حتی آن افتاء که به ادعای مفتی درباره قطعیات اسلام اظهار می‌شود گونه‌ای فهم و تفسیر از کتاب و سنت است که بر دهها پیش فهم و پیش فرض مبتنی است...»^{۱۵} لذا پیش از اجتهاد در فروع، باید اصول دینداری و باورهای دینی بازبینی شود و پیش فهم‌های ذهنی اصلاح گردد.

با توجه به اینکه جهان معاصر با جهان قدیم تفاوت‌های بنیادینی کرده است و با توجه به اینکه این تفاوت‌ها فقط محدود به عرصه تکنولوژی و آداب و رسوم و... نمی‌باشد، بلکه عرصه اندیشه و ذهن را نیز در بر گرفته است و با توجه به اینکه در عرصه اندیشه بسیاری از تصورات و تصدیقات یا به تعبیر دیگر مفاهیم و تلقی‌های انسان متحول شده است و بسیاری از بدیهیات گذشته تبدیل به غیر بدیهیات امروز و بسیاری از غیر بدیهیات گذشته تبدیل به بدیهیات امروزه

^{۱۴}. عبدالکریم سروش، مدارا و مدیریت، صص ۳۲۳ الی ۳۲۷.

^{۱۵}. محمد مجتهد شبستری، نقدی بر قرائت رسمی از دین، ص ۲۶۷.

گردیده است،^{۱۶} و این تغییرات مفهومی و تصدیقی، تغییر در کل عقلانیت بشر معاصر را به دنبال آورده است، لذا یک فقیه یا عالم اسلامی نیز باید فهم خود، درک خود، قرائت خود و استنباط خود از دین را بازنگری کند و از نو و از منظر عقلانیت جدید آنرا بررسی و دریافت و کسب نماید. آنگاه است که این فهم جدید و دریافت نوین و برداشت تازه از دین، اجتهاد در درون دین و فروع آن را نیز متحول می کند و حقوق بشر را به عنوان یکی از پدیده های حاصل از عقلانیت بشر معاصر که بر اساس واقعیت ها و ضرورت های زندگی اجتماعی امروز بشر مطرح شده است بهتر درک خواهد کرد.

با گذری بر نظریات معتقدین به این رویکرد، به نظر می رسد که بتوان پیروان این اندیشه را احیاکنندگان تجربه معتزله نامید. این گروه با تاکید بر کاربرد خرد و تعقل در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی و سیاسی، در هنگام مواجهه با حقوق بین الملل بشر، به دلیل ابتدایی که این نظام بر مفاهیم نوین عدالت و اخلاق عقلانی دارد، اساساً آنرا همچون بحث از حسن و قبح افعال، امری فرا دینی می دانند.^{۱۷} در واقع این گروه بر این باورند که: «نه بحث از عدل بحثی درون دینی است و نه بحث از حق (و حقوق بشر) و نه بحث از روش ها و شیوه های عمل، اینها هر سه همچون بحث از حسن و قبح افعال و مجبور و مختار بودن آدمیان بحث هایی فرا دینی اند که در فهم و قبول دین به غایت موثرند. لذا همچنان که متکلمان در باب جبر و اختیار و حسن و قبح عقلی و ذاتی افعال، گفتگو و اتخاذ نظر می کنند، بحث از حقوق بشر و حد و دامنه عدل و شیوه های کامیاب حکومت و مهار قدرت هم باید بحث روز و خوراک مستمر جامعه دینداران و شریعت ورزان باشد، تا درک دینی خود را دائماً در پرتو این تأملات، تازه و تصحیح کنند و مکتب حقوقی و فقهی خود را با آن دستاورد های تازه، موزون و متناسب آورند.»^{۱۸}

طبق این دیدگاه: «توحیدی که پیامبر اسلام به آن دعوت می کرد، با عقل زمانه سازگاری داشت و در مقایسه با شرک دوران جاهلیت عدول از جهل به عقل شمرده می شد؛ همان طور که دعوت او به عدالت نیز مساله ای کاملاً عقلایی بود. عقلانی و عقلایی بودن توحید و عدالت مساله مهمی

^{۱۶} عبدالکریم سروش، سنت و سکولاریسم، صص ۱ الی ۶۶.

^{۱۷} سید محمد قاری سید فاطمی، «بشر حق دارد بر حق نباشد»، مصاحبه با روزنامه ایران، ۱۷ آذر ۱۳۸۳. همچنین رک به: عبدالکریم سروش، «تجدید تجربه اعتزال» سخنرانی ایراد شده در دانشگاه امیر کبیر (۱۳۸۱)، قابل دسترس در مجموعه عارفانه ها، موسسه فرهنگی صراط. همچنین رک به: «مفهوم عقل

اعتزالی»، قابل دسترس در: www.dr.soroush.com

^{۱۸} عبدالکریم سروش، مدارا و مدیریت، صص ۳۲۵.

بود، زیرا همین واقعیت بود که علم کلام و علم فقه و علم تفسیر و علم حدیث را، که چهار رکن اصلی تفکر دینی عمومی اسلامی را تشکیل می‌داد، از آغاز در مسیری عقلایی انداخت...^{۱۹} لذا اتخاذ و انتخاب حقوق بشر معاصر که ریشه در اخلاق عقلانی و عدالت دارد، به عنوان مبنای اصلی زندگی اجتماعی و سیاسی مسلمانان در عصر حاضر نه تنها مساله‌ای قابل قبول، بلکه امری مبارک بوده و مقتضای اوامر عمومی خداوند در این عصر تلقی می‌گردد. فقیهان و عالمان دینی در گذشته با تلاش و کوشش برای حفظ علم فقه بر بستر عقلایی هر عصر، این راه را نشان داده‌اند که باید زندگی اجتماعی مسلمانان در هر عصری بر بستری عقلایی استوار باشد. و پیامبر اسلام نیز نهاد های حقوقی و عرفی که هنگام بعثت وی در حجاز وجود داشت را با همان هویت عرفی و غیر دینی آن پذیرفت، امروزه نیز پذیرش حقوق بشر عرفی و غیر دینی از سوی مسلمانان به عنوان مبنای نظام اجتماعی همان حکم را دارد و بدعتی محسوب نمی‌شود و این پذیرفتن یک روش است برای تاسیس سازمان اجتماعی - سیاسی سازگار با ایمان و اخلاق.^{۲۰} در واقع و به تعبیر روشنتر «مسلمان زیستن در جهان معاصر اقتضا می‌کند که مسلمانان حقوق بشر معاصر را مبنای نظام های اجتماعی خود قرار دهند. اما نه از این بابت که حقوق بشر معاصر در کتاب و سنت وارد شده، بلکه به این دلیل که در جامعه های معاصر جدید استوار ساختن نظام اجتماعی بر پایه حقوق بشر تنها راه تامین عدالت، خدمت و محبت به انسان ها و بهترین روش تسهیل ایمان ورزی و تخلق جامعه به اخلاق انسانی است»^{۲۱}

نتیجه گیری:

مشاهده شد در رویکرد اول که اصالت را به منقولات و احادیث می‌دهد، به دلیل آنکه در کتاب و سنت حکمی در خصوص نظام حق های بشری مطرح نشده است، تکلیف شرعی نیز در مواجهه با آن توقف است، چرا که در غیر اینصورت تلاش در جهت ارائه نظریه ای اسلامی از حقوق بشر و یا یافتن مبنایی روایی برای حق های بشری و... به تخریب دین منجر خواهد شد و نوعی بدعت تلقی خواهد گردید.

^{۱۹}. محمد مجتهد شبستری، پیشین، صص ۱۶۱ و ۱۶۲.

^{۲۰}. همان، صص ۲۹۷ (پاورقی).

^{۲۱}. همان صص ۲۸۰.

در رویکرد دوم که قائل به اجتهاد در فروع است و خود به دو دیدگاه مرسوم و غیر مرسوم تقسیم می‌شود، ملاحظه شد که حق تعیین حقوق بشر از آن خداوند است و منبع کشف این حقوق نیز کتاب و سنت است که فقیه با مراجعه به آنها می‌تواند حق‌های بشری را کشف و دریافت نماید. همچنین مشاهده شد که در دیدگاه مرسوم از این رویکرد، حقوقی که برای بشر معرفی می‌شود همان حقوق و تکالیفی است که تاکنون در قالب احکام اسلامی مطرح بوده و در رسائل و کتب فقهی مورد اشاره و بررسی قرار گرفته‌اند. یعنی همان احکامی که در بسیاری موارد در تعارض آشکار با حقوق بین‌المللی بشر است. در واقع این دیدگاه که مدعی نظریه‌ی حقوق بشر اسلامی نیز هست، تلاش می‌نماید حقوق و تکالیف اسلامی بشر را به نام حقوق بشر اسلامی معرفی و ارائه نماید. در دیدگاه غیر مرسوم از این رویکرد نیز مشاهده شد که تلاش فقیه و عالم اسلامی بر این است که همان حقوق بشر به رسمیت شناخته شده‌ی بین‌المللی یا اغلب آنها دارای مبنایی روایی و فقهی معرفی گردد. لیکن این دیدگاه از این مساله غافل است که حقوق بین‌المللی بشر و نظام حاکم بر آن ریشه در عقلانیت جدید و مفاهیم مدرن عدالت دارد و نمی‌توان با عقلانیت حاکم بر دنیای قدیم و مفاهیم سنتی عدالت، سعی در توجیه و مبنا سازی برای آن نمود.

رویکرد سوم نیز که با تاکید بر خردگرایی تلاش در جهت تجدید تجربه اهل اعتزال دارد، حقوق بشر را همچون بحث از عدالت و حسن و قبح افعال، امری فرا دینی می‌داند که ریشه در تأملات عقلی و اخلاق عقلانی دارد و وظیفه‌ی دینداران را نیز در مواجهه با آن، تصحیح و تازه کردن درک و دریافت دینی خود معرفی می‌کند و دادن صبغه‌ی دینی به حقوق بشر و یا یافتن ریشه و مبنایی روایی برای آن و یا ارائه نظریه‌ی اسلامی از آن، همه و همه را اموری غیر ضروری و نادرست می‌داند.

در میان این سه رویکرد، رویکرد اخیر نگاهی واقع‌بینانه به حقوق بین‌المللی بشر دارد و تلاش می‌کند آنرا آنگونه که هست و نه آنگونه که می‌پندارد باید باشد، مطرح نماید و در نهایت نیز در تعارض میان این حقوق و برخی احکام و تکالیف اسلامی، اولویت را در جهان معاصر به حقوق بین‌المللی بشر می‌دهد و معتقد است این فقه و حقوق اسلامی است که باید خود را با حقوق بین‌المللی بشر و نظام حاکم بر آن هماهنگ و سازگار نماید.

پی نوشت ها

(کتاب)

ابراهیمی دینانی، غلامحسین - ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام (جلد اول و سوم)، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۶.

جوادی آملی، عبدالله - زن در آئینه جلال و جمال، مرکز نشر اسراء، چاپ هفتم، مرداد ۱۳۸۲.

..... - فلسفه حقوق بشر، مرکز نشر اسراء، چاپ سوم، آذر ۱۳۸۱.

سروش، عبدالکریم - سنت و سکولاریسم، موسسه فرهنگی صراط، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱.

..... - قبض و بسط تئوریک شریعت، موسسه فرهنگی صراط، چاپ ششم، بهار ۱۳۷۷.

..... - مدارا و مدیریت، موسسه فرهنگی صراط، چاپ اول، فروردین ۱۳۷۶.

قاری سید فاطمی، سید محمد - حقوق بشر در جهان معاصر، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول ۱۳۸۲.

گرچی، ابوالقاسم - تاریخ فقه و فقها، سمت، چاپ سوم، تابستان ۱۳۷۹.

مجتهد شبستری، محمد - تاملاتی در قرائت انسانی از دین، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۳.

..... - نقدی بر قرائت رسمی از دین، انتشارات طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

..... - هرمنوتیک، کتاب و سنت، انتشارات طرح نو، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.

موحد، محمد علی - در هوای حق و عدالت، نشر کارنامه، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۱.

مهر پور، حسین - نظام بین المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۷.

هاشمی، سید محمد - حقوق بشر و آزادی های اساسی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴.

(مقالات، مصاحبه ها، سخنرانی ها)

سروش، عبدالکریم - «مفهوم عقل اعتزالی»، قابل دسترس در : www.drSOROUSH.com

..... - «تجدید تجربه اعتزال» سخنرانی ایراد شده در دانشگاه امیر کبیر (۱۳۸۱)، قابل دسترس در

مجموعه عارفانه ها، موسسه فرهنگی صراط.

قاری سید فاطمی، سید محمد - «بشر حق دارد بر حق نباشد»، مصاحبه با روزنامه ایران، ۸۳/۹/۱۷.